



خسروپناه: آزادی وقتی ارزشمند است که انسان را به کمال و سعادت نزدیک کند

خسروپناه، رئیس موسسه حکمت و فلسفه گفت: برخی افراد فکر می کنند به واسطه تعبد، آزادی های انسان گرفته می شود در حالیکه اینطور نیست و آزادی وقتی ارزشمند است که انسان را به کمال و سعادت نزدیک کند.

خسروپناه، رئیس موسسه حکمت و فلسفه گفت: برخی افراد فکر می کنند به واسطه تعبد، آزادی های انسان گرفته می شود در حالیکه اینطور نیست و آزادی وقتی ارزشمند است که انسان را به کمال و سعادت نزدیک کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، عبدالحسین خسرو پناه، فیلسوف و رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه اخیراً گفتگویی با فصلنامه علمی - تخصصی «محفل» با موضوع «سوددهی یا زیان دهی دین» انجام داده است که بخشی از نظرات او در این گفتگو را در ادامه می خوانید؛

ما می توانیم دو نگاه و رویکرد نسبت به دین داشته باشیم؛ یکی رویکرد معرفت شناسانه و دیگری رویکرد کارکردگرایانه. رویکرد معرفت شناسانه به دین، آن است که دین و مسائل دینی را با روش های استدلالی اثبات کنیم و شبهات آن را پاسخ دهیم؛ مثل همین شیوه ای که در فلسفه دین، کلام اسلامی و فلسفه اسلامی مطرح است؛ مانند آنکه برای اثبات وجود خدا، برهان عقلی برهان صدیقین، برهان نظم، برهان حرکت ارائه می کنیم و یا برای اثبات نبوت یا امامت، از براهینی؛ چون برهان حکمت یا قاعده لطف استفاده می کنیم.

روش کارکردگرایانه، این است که وقتی دین در جامعه تحقق و عینیت پیدا کرد، چه کارکردهایی دارد؟ کارکردهای مثبت و منفی آن چیست؟ حال، این دین تحقق یافته الزاماً با دین نازل شده مطابقت ندارد؛ چرا که دین نازل شده بکماله، در خارج و در جامعه تحقق پیدا نمی کند، بلکه یک دینداری تحقق پیدا می کند؛ بنابراین وقتی از کارکردهای دین صحبت می شود، به معنای کارکردهای دینداری است؛

در مباحث دین شناسی باید از رویکرد معرفت شناسانه شروع کرد و به رویکرد کارکردگرایی رسید. نگاه کارکردگرایانه به دین یک نگاه پراگماتیسمی خواهد بود و تبعات بسیار خطرناکی دارد زیرا در آن اصلاً از صدق و کذب گزاره صحبت به میان نخواهد آمد. ابتدا باید با رویکرد معرفت شناسانه گزاره های دینی را اثبات کنیم و گزاره های باطل را که شبهاتی علیه دین هستند ابطال کنیم. (ادعا باید با روش استدلالی اثبات گردد و شبهه هم باطل شود.)

توحید را عقلاً اثبات و شرک را عقلاً ابطال کنید و یا برخی گزاره های دیگر نقلاً اثبات شود ادعا باید با روش استدلالی اثبات گردد و شبهه هم باطل شود. بعد از این می توانیم ببینیم این عقیده درست در جامعه دینداران چه کارکردهایی خواهد داشت؟ اگر یک مدل از دینداری، آسیب های اجتماعی دارد، نباید آن را به همه مدل های دینداری یا به دین الهی نسبت داد. مثلاً ذلول بودن در برابر ظالم که در مسیحیت وجود داشت مربوط به دین منزل نیست بلکه به مدل دینداری مرتبط است. و یا شبهه صلب آزادی انسان توسط دین شبهه ای است که هگل هم به آن پرداخته در صورتی که همانطور که آزادی ارزش دارد کمال هم ارزشمند است. آزادی باید در راستای کمال باشد

مورد دیگر این است که بعضی از نسبت های منفی به دین یا به دینداری، نسبت های غلطی هستند. اصلاً ما چنین کارکردهای منفی را که به دین یا دینداری نسبت داده اند، قبول نداریم؛ مثلاً فرض کنید گفته می شود که یکی از کارکردهای منفی دین یا دینداری، این است که به واسطه تعبد، آزادی های انسان گرفته می شود. این مطلب را هگل هم در بعضی از نوشته های خودش دارد. توجه کنید که اساساً اصل اشکال، غلط است زیرا همان طور که آزادی ارزش دارد، کمال هم ارزش دارد. آزادی باید در راستای کمال باشد. اگر قرار باشد انسان با آزادی، تعبد را کنار بگذارد و به جای اینکه به کمال برسد، خودش را به چاه بیندازد، این مطلوب نیست. آزادی وقتی ارزشمند است که انسان را به کمال و سعادت نزدیک کند، نه هر آزادی.